

وزارت اطلاعات و امور سیاسی
تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۵۲

۱۳۸۱ / ۴ / ۲۰

کتابخانه
دانشگاه شهید باهنر کرمان
شماره ثبت کتاب: ۱۳۸۱/۴/۲۰



دانشگاه شهید باهنر کرمان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

خرد سیاسی در آثار سعدی

استاد راهنما
دکتر مهدی نوریان

استاد مشاور
دکتر محمود مدبری

نگارش
مجید زهتاب

۱۳۷۹ - ۸۰

۳۲۶۲۷

بسمه تعالی

این پایان نامه

به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد

به

بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

استضاء

نام و نام خانوادگی

آقای مجید فهتاب

دانشجو:

آقای دکتر مهدی نوریان

استاد راهنما:

آقای دکتر محمود مدبری

استاد مشاور:

آقای دکتر محمدصادق بصیری

داور ۱:

آقای دکتر محمدرضا صرفی

داور ۲:

داور ۳:

حق چاپ محفوظ و مخصوص به مولف است

(ج)



Handwritten signatures and stamps on the left side of the document, including a large signature at the top and several smaller ones below.

به نام خدایی که جان آفرید
سخن گفتن اندر زبان آفرید
خداوند بخشنده دستگیر
کریم خطابخش پوزش پذیر

پیشکش

به همسر،

برای بردباریش

چکیده پایان‌نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی: مجید زهتاب
رشته و گرایش: زبان و ادبیات فارسی
استاد راهنما: دکتر مهدی نوریان
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
استاد مشاور: دکتر محمود مدبری
تاریخ دفاع: ۱۳۸۰ / ۱۱ / ۲۴

عنوان: خرد سیاسی در آثار سعدی

چکیده

در این پژوهش سعی شده از بیان همه موضوعات متون سعدی بدان پرداخته است، آراء و نظرات سیاسی وی گردآوری و پس از یک تقسیم‌بندی منطقی به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شود. همچنین در این تحقیق «شهریار» که در رأس هرم قدرت قرار دارد نماینده نظام سیاسی مورد نظر سعدی فرض شده و اندیشه‌های سیاسی سعدی، در موضوعات و مسائل مختلف از اندرزها و توضیحات او به «شهریار» استخراج شده است.

فصل اول این تحقیق به تحلیل «مبانی نظام سیاسی پیشنهادی سعدی» پرداخته و فصل دوم پشتوانه‌های این نظام و ضمانت‌های اجرایی آن را اعم از مادی و معنوی مورد بحث قرار داده است. فصل سوم با عنوان «آیین شهریاری» بحث مفصلی را در باره مناسبات حاکمیت با دیگران اعم از شهروند و بیگانه، در قالب پرداختن به ویژگیهای شهریار سامان می‌دهد و سرانجام در فصل چهارم با عنوان «آیین شهروندی» به اختصار مناسبات و وظایف مردم نسبت به حاکمیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
۱- دیباچه.....	۴
۲- مبانی نظام سیاسی پیشنهادی.....	۱۱
۳- پشتوانه‌های نظام سیاسی و ضمانت‌های اجرایی آن.....	۱۸
۳-۱- ترس از خدا و بازخواست قیامت.....	۲۰
۳-۲- ترس از ناپایداری دنیا و سرنگونی سلطنت.....	۲۳
۳-۳- نهادن نام نیک بعد از خود.....	۲۹
۴- آیین شهریاری.....	۳۳
۴-۱- درآمد.....	۳۳
۴-۲- خداترسی و پرهیزکاری.....	۳۴
۴-۳- دادگری.....	۳۷
۴-۴- مدارا و مهربانی.....	۴۸
۴-۵- داد و دهش.....	۵۵
۴-۶- نصب کارگزاران شایسته.....	۶۱
۴-۷- تأمین امنیت کشور.....	۶۷
۴-۸- مردم‌دوستی و توجه به طبقات ضعیف جامعه.....	۷۳
۴-۹- صلح و جنگ (سپاهیان و تدابیر جنگی).....	۷۹
۴-۱۰- توصیه‌ها و راهکارها.....	۸۶
۴-۱۰-۱- توصیه‌ها.....	۸۶
۴-۱۰-۱-۱- پرهیز از درگیری با دشمن برتر.....	۸۶
۴-۱۰-۱-۲- داشتن دوستان فراوان و دشمنان کم.....	۸۸
۴-۱۰-۱-۳- حقیر و ضعیف ندانستن دشمن.....	۸۸
۴-۱۰-۱-۴- رسیدگی به معیشت سپاهیان در زمان صلح.....	۸۹
۴-۱۰-۱-۵- رازداری و حفظ مسائل امنیتی.....	۹۱

۹۴ ۶-۱-۱۰-۴- نصب فرماندهان با تجربه

۹۶ ۲-۱۰-۴- راهکارها (تاکتیک‌ها)

۹۶ ۱-۲-۱۰-۴- پیش از آغاز جنگ

۹۹ ۲-۲-۱۰-۴- در آغاز جنگ

۱۰۰ ۳-۲-۱۰-۴- در هنگام جنگ

۱۰۶ ۴-۲-۱۰-۴- در آستانه شکست

۱۰۷ ۵-۲-۱۰-۴- در طلوع پیروزی

۱۰۸ ۶-۲-۱۰-۴- بعد از فتح

..... ۵- فرجام سخن

۱۱۰ آیین شهروندی

۱۲۲ منابع و مأخذ

پیشگفتار

سعدی از نظر اقبال عمومی همراهِ با حافظ و فردوسی و مولوی از بختیارترین شاعران و اندیشمندان عرصهٔ زبان پارسی است. از آنچه که طی قرون متمادی، دربارهٔ ادب و هنر این سرزمین، از خامهٔ نویسندگان، دانشمندان و پژوهشگران عالم تراویده است؛ سهم بسزایی به این چهار ستارهٔ قدر اول آسمان ادب ایران زمین اختصاص دارد.

بر این اساس طرح سخن تازه و پرداختن مضمون غیر تکراری، دربارهٔ این بزرگان سرمایهٔ فراوانی از فضل و ادب، توأم با جسارت و «شورینده‌سزی»^۱ می‌طلبد که این حقیر فقط از دو قسم اخیر بهرهٔ وافی دارد.

در باب اندیشه و هنر سعدی آنقدر کتاب و مقاله نوشته شده است که فقط ذکر نام و مشخصات آنها یک کار کتاب‌شناسی درخور توجه است؛ بویژه اینکه تنوع موضوعاتی که در مورد سعدی تاکنون نوشته شده است، اعجاب‌آور است. موضوعاتی چون: حکمت، فلسفه، فقه، کلام، عرفان، تاریخ، دستور زبان و آرایه‌های ادبی تا آرمان‌گرایی، هنر، تربیت، معرفت، اخلاق و حتی بهداشت و خانواده و نیز تأثیر قرآن و حدیث و فرهنگ اسلامی بر آثار او، مقام او در ادبیات غرب و ادبیات عرب ... همه و همه موضوعاتی است که حاصل زاویهٔ خاص نگاه پژوهشگران بر حیات معنوی سعدی است و هنوز هم:

یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت در بند آن مباش که مضمون نمانده است

نگارنده، در این مختصر به مقوله‌ای پرداخته است که شاید بتوان گفت با

این صراحت و دقت به آن توجه نشده است، هر چند که به صورت پراکنده اشاراتی

به موضوعاتی از قبیل آیین مدیریت، عدالت، امور اجتماعی و کشورداری...^۲ در آثار سعدی شده است، اما از باب نمونه درخصوص موضوع صلح و جنگ (سپاهیان و تدابیر جنگی) از دید سعدی، ظاهراً به این تفصیل تاکنون کاری منتشر نشده است و از این جهت تا اندازه‌ای این بحث تازگی دارد.

از نظر صوری، به دلیل اینکه شواهد شعری از منابع و نسخ متعدد انتخاب شده است، ضرورت داشت جهت یکدستی متن، رسم الخط واحدی انتخاب شود که هم هماهنگی لازم در کل متن رعایت گردد و هم مانع از دشواری خوانی شود. لذا در این نوشتار، اصول کلی مورد توافق مشهورترین شیوه‌نامه‌ها یعنی «شیوه‌نامه نشر دانشگاهی» و «راهنمای نگارش و ویرایش» تألیف دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح و همچنین کتاب «درآمدی بر چگونگی شیوه‌ی خط فارسی» اثر دکتر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی ملاک قرار گرفت. گمان می‌کنم مقایسه دو بیت خودگویای مطلب باشد و نیاز به تفصیل بیشتر نباشد.

چنان‌که دست به دست آمده‌ست ملک به ما به دستهای دگر همچنین بخواهد رفت

با همین بیت از نسخه «کلیات سعدی» تصحیح مرحوم محمدعلی فروغی:

چنانکه دست بدست آمده‌ست ملک بما بدستهای دگر همچنین بخواهد رفت

و یا:

نواحی ملک از کف بد سیگال به لشکر نگه‌دار و لشکر به مال
با:

نواحی ملک از کف بد سیگال بشکر نگهدار و لشکر بمال

در همین مصرع اخیر دو نکته وجود دارد که می‌تواند ایجاد التباس کند. ترکیب «نگه‌دار» فعل است و «به مال» حرف اضافه است به اضافه اسم. در صورتی که در رسم الخط قدیم صورت «نگهدار» اسم فاعل است به معنی نگاهبان و «بمال» صیغه امر است از «مالیدن» به معنی گوشمالی. بنابراین در مجموع دقت شده است که از این جهت رسم الخط مطلوبی رعایت شود.

و اما در مورد محتوا، در این وجیزه بدون تعارف از انتخاب عنوان تا سطر پایان، اگر نقطه قوتی مشاهده شود، مدیون راهنمایی‌ها و عنایت‌های سرور بزرگوارم جناب دکتر مهدی نوریان هستم، ایشان غیر از استاد راهنمایی من در این رساله، همواره راهنمای من در زندگی و کار هم بوده‌اند. نقطه ضعفها - که فراوان‌اند - از من است. که بیش از این ظرفیت استفاده از ارشادات ایشان را نداشته‌ام. از ایشان با احترام و سپاس فراوان قدردانی می‌کنم. همچنین از الطاف بزرگوارانه جناب دکتر محمود مدبری که مشاورت این طرح را به عهده داشتند و از هرگونه مساعدتی دریغ نفرمودند نهایت سپاس را دارم. زبانم از سپاسگزاری الطاف برادرانه و خلق کریم سرور بزرگوارم جناب دکتر صرفی، رئیس بخش ادبیات دانشگاه شهید باهنر، قاصر است. امیدوارم که خداوند فرصت جبران عطا فرماید.

از دوستانم آقایان سید غلامرضا دوازده‌امامی، حمید قانونی، سید محسن هاشمی و بویژه همدرس گرانقدرم، سرکار خانم پریسا داوری که زحمت فراوانی را متحمل شدند، نهایت سپاس را داشته و دعاگوی همیشگی ایشانم. همچنین زحمات فراوان سرکار خانم الهام محسنی و آقای حشمت‌الله انتخابی که در کار تایپ و آماده‌سازی همت گماشتند درخور هرگونه سپاس و شکرگزاری است.

1

roses

کاوش در پیشینه خرد سیاسی، به ناچار ما را به دیاران دور و روزگاران دورتر برمی‌گرداند. می‌توان گفت که از زمانی که آدمیان در جمع‌های -ولو بسیار کوچک- گرد هم آمدند و زندگی اجتماعی را آغاز کردند، خرد سیاسی و اندیشیدن به سیاست، آغاز شد. اگر رد پای علم سیاست را تا گذشته‌های دور، دنبال کنیم، اولین نشانه‌های آن را نزد تمدن‌های کهن مصر، چین، هند، ایران و یونان می‌یابیم. در این میان از اندیشمندان یونانی نسبت به دیگران، آثار بیشتر و ارجمندتری بر جای مانده است، به نحوی که اگر بگوییم علم سیاست، به معنای امروزی آن، از پیشرفت همان نظریاتی حاصل شده است که کسانی مثل افلاطون و ارسطو بیان‌کننده اولیه آن بودند، راهی به خطا نرفته‌ایم. هر چند که پیش از اینان در تمدن‌های پیش‌گفته، سیاستمداران نامداری به ظهور رسیده‌اند.

اگر خلاصه سیاست را «علم یا فن اداره یک جامعه بدانیم» باید اعتراف کنیم که این علم تا حد زیادی، با وجود فرمانروایان و زمامداران و نظام‌های حکومتی موضوعیت می‌یابد. «در اندیشه فلسفی افلاطون، بهترین نظام حکومتی، وابسته به وجود فرمانروایان پرهیزگار است.»^۱ غایت فلسفه سیاسی افلاطون رعایت مصلحت عمومی برای رسیدن به سعادت است و این سعادت جز از مجرای عمل به فضیلت امکان‌پذیر نمی‌تواند باشد. از نظر ارسطو سیاست و اخلاق هر دو به بررسی موضوع سعادت می‌پردازند و در مقام عمل نتیجه آن، در زندگی مدنی، قابل مشاهده است. از این دیدگاه عمل به فضیلت، نیازمند بهترین نظام سیاسی است تا فرد بتواند در درون آن از راه نیک‌کرداری به سعادت نایل شود. از دید ارسطو سیاست درباره آنچه باید کرد و نباید کرد قانون می‌گذارد، بر این اساس، غایت این دانش، شامل غایت‌های دانش‌های دیگر نیز هست.^۲

سیاست در نزد مسلمانان هم سرگذشت خاص خود را دارد، گرچه این واژه، واژه‌ای قرآنی نیست، اما در احادیث و ادبیات عرب زیاد از آن استفاده شده است. در میان معانی فراوانی که از

این واژه اراده شده است، آنچه که در این بحث مورد نظر ماست، همانا «پاس داشتن ملک و حکم راندن به رعیت»^۳ است.

همچنین در قرون گذشته و به خصوص در میان مسلمانان بحث در علم سیاست با پرسش از ویژگیهای حاکم آغاز می شده و در پاسخ به این پرسشها و توضیح خصال حکام، معرفت سیاسی شکل می گرفته است. بر همین اساس بوده که دانش سیاسی گذشته بیشتر در اندرزاها و نصایح خردمندان به حکام در زمینه های دادگری، مردمداری، صلح دوستی، آیین جنگاوری، تنظیم مناسبات با زیردستان و... ظهور می کرده است. از طرفی در یک تقسیم بندی متعارف می توان گفت که سیاست در جهان اسلام را گروههای پنجگانه زیر مورد بررسی و مذاقه قرار داده اند.

۱- فقیهان ۲- فیلسوفان ۳- متکلمان ۴- سیاستمداران و مورخان ۵- شاعران و سخنوران و آنچه که در این بحث ما به آن بیشتر می پردازیم قسم اخیر، به طور اعم و بررسی خرد سیاسی سعدی به عنوان برآیند خرد سیاسی ایرانی تا قرن هفتم به طور اخص است.

برای پرداختن به این مبحث نیز بهتر است که اشاره ای به سابقه خرد سیاسی در میان اندیشمندان ایرانی تا حدود قرن هفتم داشته باشیم.

مطمئناً تمدن کهن ایرانی که روزگاری قسمت اعظم جهان شناخته شده زمان خود را در قلمرو و سیطره خود داشته است، از آیینها و قوانین و روشهای پیشرفته ای برای اداره امور این سرزمین پهناور برخوردار بوده است. رد پای بسیاری از این قوانین را در قدیمی ترین کتیبه ها و سنگ نبشته ها و یا کتابهای کهنی چون اوستا، می توان یافت. از اهتمام هوشمندان شهریاران و سیاستمداران ایرانی به فراگرفتن و به کار بستن دانش سیاسی همین بس که برای افزایش دانش خود در این زمینه رنج سفرهای طولانی را بر خود هموار می کردند، تا بتوانند از حاصل اندیشه سیاسی اقوام و ملل دیگر نیز بهره مند شوند. بهترین و جامع ترین شاهد این مدعا سرگذشت کتاب کهن و ارجمند کللیه و دمنه است که مشتمل بر یک دوره علم سیاست و ملک داری در قالب داستان و به زبان حیوانات است. وزیر دانشمند دوره ساسانی، بزرگمهر حکیم این کتاب را از هند به ایران آورده و از سنسکریت به پهلوی ترجمه کرد. در ادوار بعد برای حفظ آن از دستبردهای زمانه از پهلوی به عربی و از عربی به فارسی دری ترجمه شد و اکنون نیز زیب و زیور کتابخانه های ادیبان و سیاستمداران است. کتاب ارجمند شاهنامه نیز، سرشار است از بیان آیین های ملک داری، لشکرآرایی، مردم نوازی، دشمن ستیزی و... کتابهایی چون قابوسنامه ی عنصرالمعالی قابوس بن وشمگیر، مرزبان نامه سعدالدین وراوینی، سیر الملوک (سیاست نامه) خواجه

نظام‌الملک توسی، *آداب‌الحرب والشجاعه مبارکشاه* و...^۴ همگی مستقیماً یا غیر مستقیم موضوعیت سیاسی داشته و آیین حکمرانی را به مخاطبان خود آموخته‌اند. می‌توان گفت که خرد سیاسی سعدی حاصل برآیند آموزه‌های اسلامی او به اضافه دریافت‌های او از کتابهای سیاسی قبل از خود می‌باشد که بی‌شک به مطالعه دقیق آنها می‌پرداخته است.

آنچه که بررسی اندیشه‌های سیاسی سعدی را شیرین‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌کند، شناخت شخصیت چند بعدی اوست. فقاہت، فلسفه، کلام، اخلاق، سیاست و تصوف و عرفان، وقتی با شاعری و شیرین‌زبانی و رندی و لطیفه‌گویی و نظریات در هم می‌آمیزد، شخصیت یگانه و غیرقابل تکرار سعدی را رقم می‌زند. نگارنده از دوران نوجوانی هرگاه در آثار سعدی تورقی و تعمقی کرده‌ام، خرد سیاسی و حکمت حکومتی بی‌نظیری را درمی‌یافته‌ام که چونان گوهرهایی تابناک از میان انبوه آثار نظم و نثر سعدی، اذهان و اندیشه‌ها را به سوی خود جذب می‌کرده‌اند. گوهرهایی که با هوشمندی حیرت‌انگیزی در دُرُج جواهرات آثار مختلف سعدی، با هنرمندی تمام درج گردیده‌اند. به نحوی که می‌توان با قطعیت تمام ادعا کرد که هیچ‌کدام از آثار سعدی خالی از ابراز نظرات سیاسی او نیست. گرچه آثاری مثل بوستان (بویژه باب اول) یا نصیحة الملوک از این بابت سرشارترند، ولی در قصاید، قطعات و مثنویات و حتی غزلیات رد پای از خرد سیاسی او را می‌توان یافت. در اینجا از باب نمونه به دست دادن، چند بیت از بوستان و گلستان را نقل می‌کنیم. در صلح و جنگ:

اگر پیل زوری و گرسیر چنگ	به نزدیک من صلح بهتر که جنگ ^۵
به مردی که ملک سراسر زمین	نیرزد که خونی چکد بر زمین ^۶
همی تا برآید به تدبیر کار	مدارای دشمن به از کارزار ^۷
چو دست از همه حیلتی در گسست	حلال است بردن به شمشیر دست ^۸
اگر جز تو داند که رای تو چیست	به آن رای و دانش نباید گریست ^۹
تو هم جنگ را باش چون کینه خاست	که با کینه‌ور مهربانی خطاست
به اسبان تازی و مردان مرد	برآر از دمار بد اندیش گرد ^{۱۰}